

زندگی به سبک علامه

دکتر «تقی زاده» که از ۱۹ سالگی شاگرد علامه بوده از ویژگی های جالب سبک زندگی این عالم بزرگ می گوید

نسیم سپیلی | خبرنگار

پرونده

علامه محمد تقی جعفری یکی از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام است که بیش از ۸۰ اثر ایشان به چاپ رسیده است. از آثار برجسته ایشان، شرح و تفسیر بر نهج البلاغه است که ۲۷ جلد آن به زبان فارسی چاپ و منتشر شده است. دیگر اثر نفیس استاد جعفری در زمینه بررسی و مقایسه افکار مولانا با فلسفه‌ها و جهان بینی‌های شرق و غرب است که با عنوان مولوی و جهان‌بینی‌ها چاپ شده است. در زمینه حقوق بشر و مقایسه آن با حقوق بشر در اسلام نیز کتاب مفصل و مشروحی به قلم ایشان منتشر شده که نظریات آن در کنفرانس اسلامی طرح و مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین ده‌ها نویسنده، استاد، محقق و متفکر از سراسر جهان با ایشان مذاکرات علمی داشته‌اند که بیش از ۵۰ فقره از این مذاکرات در دو جلد کتاب با عنوان «تکاپوی اندیشه‌ها، منتشر شده و مورد استقبال علاقه‌مندان به حوزه نشر قرار گرفته است. برای آشنایی بیشتر با این علامه و دانشمند بزرگ در سالروز درگذشت ایشان به سراغ یکی از شاگردان قدیمی‌شان رفته‌ایم و گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم تا ناگفته‌هایی را از ابعاد شخصیتی این استاد بزرگ جهان اسلام برای‌مان بگویند. دکتر شهرام تقی‌زاده انصاری از ۱۹ سالگی یعنی دوران دانشجویی که فیزیک می‌خوانده با علامه و جلسات درس و بحث ایشان آشنا شده و تا سال‌های پایان عمر، در معیت استاد روزگار گذرانده است.

تغذیه کم

کوهنوردی و شنا

دکتر تقی زاده در باره برنامه روزانه علامه می گوید: «علامه جعفری پس از نماز صبح دیگر نمی‌خوابیدند. سامواران روشن می‌کردند و پیش از این که همسرشان بیدار شوند، چایی را دم می‌کردند. صبحانه اندکی می‌خوردند و مشغول را زوبیا و باخدا می‌شدند. پس از آن ساعت ۷ صبح به طلبه‌ها درس می‌دادند و ساعت ۸ صبح کار اصلی‌شان شروع می‌شد. به عنوان مثال روی کارهای کتبی مهم مثل شرح و تفسیر بر نهج البلاغه کار می‌کردند و در میان کارشان مهمان نمی‌پذیرفتند. کار جدی‌شان تا ظهر و پیش از اذان ادامه داشت. موقع ناهار با هم کتاب دست‌شان بود و بلافاصله بعد از صرف ناهار به مطالعه مشغول می‌شدند. بعد از ظهرها کمی استراحت می‌کردند و ساعت ۴ عصر، مجدد کارشان شروع می‌شد و هفته‌ای یک روز تدریس برای گروه‌های تخصصی اهل علم، استادان و دانشجویان را قبول می‌کردند. تقریباً از سال ۶۵ به بعد، روال تدریس ایشان روی مباحث انقلابی و دینی متمرکز شد. مطالبی که به در جامعه می‌خورد مثلاً چندین سال حقوق بشر در اسلام و تطبیق آن با حقوق بشر در غرب و اصول حکمت سیاسی اسلام را تدریس کردند چون تشخیص دادند که این مسائل برای جامعه لازم است و مردم باید درباره آن بدانند. بعد از قرائت نماز شب، ایشان بر نامه‌های متعددی از جمله ملاقات با افراد با تحقیق و مطالعه داشتند و پس از صرف شام، راس ساعت ۹ می‌خوابیدند. تغذیه استادان‌ذاه بود و کم خوراک بودند. ایشان اهل ورزش هم بودند و بیشتر صبح‌های جمعه، کوه می‌رفتند و شوا و پیاده‌روی نیز از برنامه‌های ورزشی دیگرشان بود.»



تسلط علامه بر روان‌شناسی

و تاریخ تمدن غرب

از دکتر درباره برجسته‌ترین ویژگی اخلاقی و رفتاری علامه جعفری می‌پرسیم که می‌گوید: «استاد بسیار متواضع بود که به نظر من، این بارزترین خصلت ایشان بود. در ضمن، هر کاری که می‌کردند برای ضای خدا و پس از آن به خاطر کمک به خلق خدا بود. اهل خودنمایی و تظاهر نبودند و می‌گفتند تا حدی که در توان‌مان است، باید در خدمت بشر باشیم. اخلاق نیکوی ایشان خصیصه بارز دیگری بود که زبازند خاص و عام است. هیچ‌وقت باعث ناراحتی کسی نمی‌شدند. نظم و ترتیب نیز دیگر ویژگی بارز ایشان است، به خصوص به قول‌هایی که می‌دادند بسیار وفادار و وقت شناس بودند. در ضمن، استاد علامه جعفری تشنه علم و دانش بود. ایشان به روان‌شناسی، تاریخ و تمدن فلسفه غرب تسلط کامل داشتند و این تشنگی عجیب به فراگیری علوم مختلف تا اواخر عمر با ایشان بود.»

دکتر تقی زاده به واسطه کتابخانه معروف علامه با ایشان مرتبط می‌شود، وی در این باره می‌گوید: «آشنایی من با مرحوم علامه مربوط می‌شود به سال ۱۳۴۵ که سال اول دانشگاه بودم. من اهل مطالعه بودم، وقتی کتاب «ارتباط انسان و جهان» علامه جعفری به دستم رسید به واسطه یکی از دوستانم با استاد آشنا شدم، یادم هست که ما به منزل علامه در محله پاچنار که یک خانه قدیمی و کوچک بود رفتیم. کتابخانه ایشان شاید حدود ۲۰ متر مربع بود که در دو طرف آن، قفسه‌های آهنی تا سقف حدود سه تا چهار هزار کتاب داشت، البته احتمالاً کتاب‌های دیگری هم داشتند که شاید در قسمت دیگری از خانه نگهداری می‌شد. چون من اشتیاق شدیده به کتاب و کتاب‌خوانی داشتم، ابتدا، به کتاب‌ها



فیزیک همسایه دیوار به دیوار فلسفه است

نگاهی کلی کردم تا این که علامه جعفری وارد کتابخانه شدند. ابتدا سلام کردیم و در کنار ایشان نشستیم. تعدادی دانشجوی هم در اتاق نشسته بودند. علامه در باره علت و معلول صحبت می‌کردند. بحث که تمام شد، رفتیم جلوو دوستم را به ایشان معرفی کرد. من گفتم استاد! من این کتاب شمارا خریده‌ام، البته سنگین است ولی عاشق این گونه مطالب هستم و دلم می‌خواهد به جلسات شما بیایم. علامه جعفری گفتند بیایید، رشته شما چیست؟ گفتم فیزیک، خندیدند و دستی پشت گردن من زدند و گفتند خوب رشته‌ای است. فیزیک همسایه دیوار به دیوار فلسفه است. به این ترتیب پای من به جلسات استاد باز شد و ارتباط با ایشان در همه سال‌های تحصیل در دانشگاه به صورت عمومی و خصوصی ادامه داشت.»

علامه به نکات کار بردی برای نسل جوان نگاه ویژه ای داشت

یک سوال قابل تامل در باره کتابخانه علامه جعفری این است که آیا ایشان از لحاظ مالی برای خرید این همه کتاب، مشکلی نداشتند، دکتر تقی زاده معتقد است: «تهیه کتاب‌ها برای علامه جعفری به‌خصوص در دوران طلبگی که برای تأمین معیشت با سختی‌هایی همراه بوده، دشوار بود اما عشق به مطالعه و دانستن او را از کتاب جدا نکرد. علامه جعفری ۱۲ سال در نجف تحصیل کرد. چند سال اول را که در دوران طلبگی بود، فقط درس می‌خواند. خودش نقل می‌کرد که شب‌ها چند ساعت بیشتر نمی‌خوابید. بعد از چند سال که در فلسفه و علوم دینی به جایگاه استادی رسید، اجازه تدریس گرفت و از این راه کمک‌خرچی برای اداره زندگی به‌دست‌آورد ولی تا قبل از آن به لحاظ معیشتی دچار مشکلاتی بود. گویا مبلغی که حوزه به او می‌داد، روزیاز دهم ماه تمام می‌شد و برای تأمین مخارجش مجبور بود کار کند، به‌خصوص این که از دواج هم کرده بود. لذا به دلیل مشکلات اقتصادی بعضاً توانایی خرید برخی کتاب‌ها را نداشت و از سویی برخی کتاب‌ها اصلاً در دسترس نبودند. علامه جعفری در حاشیه برخی کتاب‌هایش نکاتی را یادداشت کرده، مثلاً من این کتاب را ۱۰ سال پیش خوانده‌ام ولی حالا آن را خریده‌ام، بعد کنار آن تاریخ هم زده است.»

علامه تبحر خاصی در خواندن رمان داشت

از ایشان می‌خواهم درباره کتابخانه علامه که این روزها حدود ۱۳ هزار جلد کتاب دارد، برای‌مان بگوید؟ «کتابخانه شخصی علامه جعفری ثمره تلاش پنجاه ساله اوست که به نوبه خود، یکی از تخصصی‌ترین کتابخانه‌های اسلامی است. موضوعات این کتاب‌ها شامل این عناوین هستند: فقه و اصول و اخبار، الهیات و اخلاق و عرفان، تاریخ و جغرافی و آثار، ملل و نحل، منطق و علوم ادبیات، منابع، فلسفه، اقتصاد و اخلاق و سیاست، نهج البلاغه و کتاب‌های مربوط به مثنوی و آثار دیگر. در ضمن، کتابخانه شخصی علامه تنها بخشی از خانه ایشان است که در طول سال‌های بعد از درگذشت‌شان هیچ تغییری در بافت و چیدمان وسایل نداشته. دور تادور، قفسه‌های کتاب است با عناوین مختلف و در گوشه‌ای میز تحریری نسبتاً بزرگ با ماشین تایپ قرار گرفته است که گاهی استاد مطالبشان را با آن تایپ می‌کرده‌اند. در کنار آن عکسی هم از او همسرشان گذاشته‌اند. همان‌طور که گفتید، کتابخانه فعلی علامه جعفری بیش از ۱۲ هزار و ۴۰۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف دارد، کتاب‌هایی که در همه سال‌های عمر مرحوم علامه

علامه جعفری در جایی گفته بودند که «کردار عملی مر بیان بشری، بیشتر اثر دارنا گفتارشان» و به اذعان اعضای خانواده و دوستان ایشان، رفتارهای عملی علامه جعفری در خانواده و جامعه، درس‌های زیادی برای همگان داشته است. در ادامه، نظر شهید مطهری، علامه امینی و ... را درباره جایگاه علامه جعفری خواهید خواند و چند خاطره به یادماندنی از رفتارهای استاد از زبان فرزند و شاگردان‌شان.

🔴 **توجه ویژه شهید مطهری به کلام علامه**

شهید مطهری در باره نفوذ کلام علامه جعفری در مردم گفته است: «ما به مردم حرف تحویل می‌دهیم و علامه جعفری روح تحویل می‌دهد.» همچنین همسر شهید مطهری به علامه جعفری گفته بوده: «هرگاه سخنرانی شما از تلویزیون پخش می‌شد، آقای مطهری خیلی دقیق می‌شد و به دقت به آن گوش می‌داد. می‌رفت و نزدیک تلویزیون می‌نشست، همراه اساکت می‌کرد تا خوب گوش دهد.»

🔴 **صفای درونی علامه از نظر علامه امینی**
مرحوم علامه امینی که علامه جعفری در نجف ارتباط نزدیک و صمیمی با ایشان داشتند، درباره صفای درونی و نشاط‌رحی علامه جعفری در صحبتی کوتاه گفته‌اند: «می‌دانید چرا من علامه جعفری را بسیار دوست دارم؟ برای این که با این وضع علمی، از نظر صفای باطن، گویی تازه به دنیا آمده‌است.»

🔴 **صحبت‌های رئیس دانشکده الهیات آن در باره شخصیت علامه**

پروفسور و لقاریس، رئیس دانشکده الهیات آن در کنگره بزرگداشت علامه جعفری که در ۱۰ مهر ۱۳۷۶ از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بر گزار شد، درباره شخصیت استاد جعفری این گونه بیان کرد: «پروفسور جعفری راهنمایی است که نه تنها مایه افتخار ایران، بلکه مایه فخر و مباهات جهان است. من دوبار فرصت یافتم با پروفسور جعفری دیدار کنم. در طول این دیدارها با اندیشه‌های ژرف و مبسوط ایشان بیشتر آشنا شدم که روی من تأثیر زیادی گذاشت. در دیدار با پروفسور جعفری احساس می‌کردم در مقابل یک مرد خدا قرار گرفته‌ام، مردی که از طریق عمل و روش زندگی‌اش به خدا بیشتر نزدیک شده است و از او الهام می‌گیرد... برای من جای بسی افتخار است که ایشان را می‌شناسم.»

🔴 **در خواست پروفسور حسایی از علامه جعفری**
علاقه به دانستن شاخه‌های مختلف علوم باعث شده بود تا علامه جعفری در جلسات هفتگی پروفسور حسایی، شرکت کند. جلساتی که زمینه آشنایی آن‌ها را فراهم کرد و ۲۴ سال تا پایان عمر دکتر حسایی ادامه یافت. یکی از شاگردان علامه نقل می‌کند که در یکی از جلسات دکتر حسایی نظریه جدیدی درباره «ذرات بنیادی» مطرح می‌کرد و توضیحاتی درباره آن و ملاقاتش با اینشتین می‌داد و می‌گفت: «هر ذره‌ای که در نظر گرفته شود؛ مثل الکترون‌ها یا پروتون‌ها، دامنه



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه • ۲۵ آبان ۱۳۹۸
۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۱ • ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۴۴

۱۴۶۳



صفای باطن علامه

بزرگان درباره شخصیت علامه جعفری چه گفته‌اند؟

موجودیت اش تا کهکشان‌ها نیز کشانده شده است و برای شناسایی دقیق آن باید اجزای دیگر عالم را نیز در نظر گرفت. «در همان لحظه استاد جعفری گفت: «شیخ محمود شبستری مطلبی گفته است که شبیه به نظریه شماس‌ت: جهان چون خط و خال و چشم و ابروست / که هر جزئی به جای خویش نیکوست / اگر یک ذره را برگیری از جای / خلل یابد همه عالم سراپای». استاد حسایی که بسیار کم با دانشجویان حرف می‌زد، با وجد و هیجان بلند شد و فریاد زد: «شبستر کجاست؟ شبستری کیست؟! استاد جعفری با احترام پاسخ داد: «شبستری یکی از شهرهای نزدیک تبریز و شیخ محمود شبستری از عرفای بزرگ قرن هشتم است.» حسایی که شور و نشاط بیشتری یافته بود، خود کاری‌آورد و از علامه خواست دوباره اشعار شبستری را بگوید تا یادداشت کند و در اولین فرصت آن را در کتاب گلشن‌رازی بیاورد.

🔴 **بر خورد جالب علامه با دانشجوی عصبانی**

علی جعفری، فرزند علامه جعفری می‌گوید: «پدرم اوایل انقلاب یک سخنرانی در دانشکده فنی دانشگاه تهران داشت. آن زمان در دانشگاه وضعیت ناامن‌اسی بود، برای همین من و دوستانم همراه ایشان به دانشگاه رفته بودیم تا برای علامه اتفاقی نیفتد. آن روز پدرم ۴ ساعت سخنرانی کردند و بسیار خسته شدند. موقع رفتن بسیاری از دانشجویان اطراف ایشان را گرفتند و شروع کردند به سوال کردن. در پایان همه رفتند و تنها من ماندم و دوستم، علامه و یک جوان دیگر که می‌خواست از پدر سوال کند اما الحش تند و تحکم‌آمیز بوده به طوری که پدر ا تو خطاب می‌کرد و می‌گفت فلان حرفت غلط است. وقتی آن جوان سوال کرد، علامه به شدت خسته شده بود در سالن راهم بسته بودند و جایی نبود که پدر بر روی آن بنشینند و استراحت کند. به همین دلیل عیایش را بر روی زمین پهن کرد تا بتواند بنشیند و نشسته پاسخ آن جوان را بدهد. علامه جعفری بر روی عیانستت و به آن جوان عصبانی گفت بیانشین جوان تاجوایت را بدهم، چند بار گفت و آن جوان جوابی نداد. بعد با حالتی خجالت زده به پدر نگاه کرد و گفت، من جواب همه سوالاتم را گرفتم! بعد هالین جوان که برای تحصیل به خارج از کشور رفته بود با پدر تماس گرفت و گفت آن تاز پانه‌ای که آن روز با اخلاق تان به من زدید، همچنان دارم در اثر زندگی با خود می‌برد.»

🔴 **خوش قولی و سر وقت بودن علامه**

یکی از فرزندان علامه می‌گوید: «خواهر جوان من در ۳۸ سالگی در گذشت و این برای مادر و پدر من بسیار دردناک بود. به یاد دارم برای جمع شدن دوستان و بستگان من مراسم تشییع جنازه یک روز عقب افتاد، بعد از آن دیدیم علامه جعفری دارند آماده می‌شوند که به دانشگاه امام صادق (ع) بروند. همه از این بر خورد پدر بسیار ناراحت شدند و گفتند شما دختر تان فوت کرده‌ می‌خواهید به مراسم بروید. پدر گفتند الان که مراسم عقب افتاده اما اگر مراسم عقب هم نیفتاده بود باز هم چون من قول داده‌ام، باید رأس ساعت حاضر شوم. بالاخره با تمام ناراحتی‌ها پدر به دانشگاه امام صادق (ع) رفتند اما سخنرانی‌شان را کم کرده و گفته بودند که باید زودتر برگردند.

منابع این بخش از پرونده خبر تلخ بیان با نگاه افکار رسانه حوزه مشرق